



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آراژنتین، خیابان زاگوس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ – نمابر: ۸۸۶۷۷۴۹۹
توزیع: شرکت ناوآران جهان‌ رسانه ایرسا – تلفن: ۸۸۸۲۳۲۹۰
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۲۴۶ – ۷

روزنامه روزنامه
سال پنجم■ شماره پیاپی ۱۰۴۶■ شماره ۱۲۲ دوره جدید■ چهارشنبه ۳ شهریور ۱۳۸۹■ ۱۴ رمضان ۱۴۳۱■ ۲۵ آگوست ۲۰۱۰

آخر

نامزدهای چهاردهمین جشن خانه سینما اعلام شدند

ماراتن نفسگیر سه نسل از سینماگران

شیمایهرابی



حمیدنژاد، «عصر روز دهم» مجتبی راعی، «پرواز مرغابی‌ها» علی شاحاتمتی و «سنگ اول» ابراهیم فروزش به عنوان فیلم‌های نسل دوم کارگردانان به رقابت می‌پردازند. اما نمایندگان نسل سوم که چهاردهمین جشن خانه سینما را به‌رمای بیشای، داریوش مهرجویی، واروژ کریم‌مسیحی، ابراهیم حاتمی‌کیا، مجید مجیدی، اصغر فرهادی، حمید نعمت‌الله، محسن امیریوسفی، عبدالرضا کاهانی، شهرام مکرری و…

ستاردهای سه نسل دور هم

سهال گذشته هیات مدیره خانه سینما با گفتن این جمله که «لان زمان مناسبی برای برگزاری جشن نیست» مراسم بزرگداشت روز ملی سینما را به خاطر رویدادها و حوادث پس از انتخابات به صورت غیرقانونی برگزار کردند. به همین دلیل تعداد فیلم‌های شرکت‌کننده در این دوره بیشتر است. بهرام بیشایی با «وقتی همه خوابیم»، داریوش مهرجویی با «ستوری» و «طهران، تهران» نمایندگان فیلمسازان نسل اول سینما در جشن خانه سینما هستند. «به رنگ ارغوان» ابراهیم حاتمی‌کیا، «کیفر» محسن فتحی، «تردید» واروژ کریم‌مسیحی، «هرشب تنهايي» رسول صدرعاملی، «سوپرستار» تهپمنه میلایی، «طلاوس» همایون اسعدیان، «ناهنای»ی عزیزالله

درددل‌های غیرورسی: این کرم کتاب هیچ غذای خوشمزهای نخورده است

امان از دست مترجم‌های امروزی

مهناز افشاری

راستش این روزها کتابی نخواندم که بگویم اگر دیگران آن را نخوانند جا می‌مانند. فیلمی ندیده‌ام که در ذهنم حک شده باشد و بگویم اگر کسی این فیلم را ندیده، نصف عمرش را هدر داده است. چند سال پیش وقتی از من می‌خواستند کتاب یا فیلم پیشنهاد کنم فوری تمام چندتن کتاب و فیلم را ردیف می‌کردم و می‌گفتم این کتاب‌ها و فیلم‌ها زندگی مرا زیر و رو کرده‌اند. شاید ایستایی شرایط فرهنگی این موقعیت را ایجاد کرده است که هیچ چیز در ذهنم ماندگار نباشد اما می‌دانم مسائل دیگری هم به این موضوع دامن زداند. یکی از این مسائل، ترجمه‌های امروزی است که من هیچ جور با آنها کنار نمی‌آیم. مثلاً من عاشق سلینجر بودم. چند وقت پیش کتابی از همین نویسنده محبوب به دست گرفتم که با نام «دشت ای بار آدمو نمی‌کشه» تر ترجمه شده بود. عنوان زیبای دشت ای بارجمش را معنای واقعی افشاج بود. انگار نویسنده‌ای که من از او داستان می‌خواندم هر کس دیگری است جز سلینجر محبوب. من با کتاب «دلنگی‌های نقاش خیابان چهل‌وهشتم» این نویسنده زندگی کردم اما این کتاب مال سلینجر نبود هیچ، اشتراکی با نوشته‌های قبلی‌اش هم نداشت

هزاردستان: پولاسکی با روح و اندیشه جوان

بخشی از حقیقت را بگو

علی بزرگیان

از فیلم‌ها برجسته این‌گونه فیلم‌ها می‌توان به آثار کوستاو گواراس فیلمساز فیلم‌های «Z» و «کودتا» یا بعضی فیلم‌های وارنجرسو زری مثل «جسد‌های عاقل»مقالهٔ اشاره کرد.

در سال‌های اخیر در آمریکا، ساخت و نمایش فیلم‌ها و سریال‌هایی که مضامین سیاسی دارند، رشد روزافزونی داشته. برخی از فیلم‌ها، مانند «۲۴» بیشتر شبیه خودزنی می‌ماند. نمایش سیاست‌های اشتباه سیاستمداران امریکایی که برخی مواقع به کشتن شهروندان نیز می‌انجامد، برای قانع کردن و پس نردن آن از سوی بیننده است. در ماه‌های اخیر یکی از آنکه مسئولان سینمایی وزارت ارشاد، ساخت آثار سیاسی را بلااشکال و مورد حمایت خود خواندند، شنیده شد که قرار است چند فیلم سینمایی درباره حوادث پس از انتخابات ساخته شود. از هم‌اکنون امیدوارم که این فیلم‌ها بخشی از حقیقت را نمایش دهند.

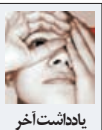
اما نکته مهم چگونگی بیان کردن آن است. سریال «۲۴» سریالی است تمام شبیه نشان می‌دهد که چگونه کشوری مانند آمریکا مورد هدف تروریست‌ها است. اما در همین سریال نشان داده می‌شود که برخی از حملات تروریستی و جریان‌های تندرو که قصدشان حمله به این کشور است، از داخل و مورد حمایت برخی سیاستمداران کاخ‌سفید هستند. این‌گونه فیلم‌ها و سریال‌ها مخاطب را قانع می‌کنند.

افقاع‌سازی مخاطب از جایی آغاز می‌شود که این آثار شاید تمام حقیقت را بیان نکنند، اما بخشی از آن را نمایش می‌دهند. برخی از فصل‌های «۲۴» بیشتر شبیه خودزنی می‌ماند. نمایش سیاست‌های اشتباه سیاستمداران امریکایی که برخی مواقع به کشتن شهروندان نیز می‌انجامد، برای قانع کردن و پس نردن آن از سوی بیننده است. در ماه‌های اخیر یکی از آنکه مسئولان سینمایی وزارت ارشاد، ساخت آثار سیاسی را بلااشکال و مورد حمایت خود خواندند، شنیده شد که قرار است چند فیلم سینمایی درباره حوادث پس از انتخابات ساخته شود. از هم‌اکنون امیدوارم که این فیلم‌ها بخشی از حقیقت را نمایش دهند.

نمایش «تاجر ونیزی» با حضور آل پاچینو در برادوی ایستنا: نمایش تئاتر «تاجر ونیزی» با نقش آفرینی آل پاچینو بازیگر برنده اسکار هفتم نوامبر (۱۶ آبان‌ماه) در برادوی روی صحنه می‌رود. پاچینو در این نمایش به کارگردانی دانیل سالیوان بار دیگر در نقش شایلاک پهودی ظاهر خواهد شد. پیش‌نمایش این اثر از نوزدهم اکتبر (۲۷ مهرماه) در برادوی آغاز می‌شود. به گزارش آسوشیتدپرس، پاچینو پس از حضور در فیلم «تاجر ونیزی» محصول ۲۰۰۴ به کارگردانی مایکل ردفورد، این دومین بار است که در نقش شایلاک، پهودی نزولخواه به صحنه می‌رود. آخرین اجرای وی روی صحنه تئاتر سال ۲۰۰۳ براساس نمایشنامه‌ای از اسکار وایلد به نام «خواندن» اتفاق افتاد.
تهران : اذان ظهر۱۲:۰۶اذان مغرب ۲۰:۰۰اذان صبح فردا ۵:۰۳ طلوع آفتاب ۶:۳۱

نمایش «تاجر ونیزی» با حضور آل پاچینو در برادوی ایستنا: نمایش تئاتر «تاجر ونیزی» با نقش آفرینی آل پاچینو بازیگر برنده اسکار هفتم نوامبر (۱۶ آبان‌ماه) در برادوی روی صحنه می‌رود. پاچینو در این نمایش به کارگردانی دانیل سالیوان بار دیگر در نقش شایلاک پهودی ظاهر خواهد شد. پیش‌نمایش این اثر از نوزدهم اکتبر (۲۷ مهرماه) در برادوی آغاز می‌شود. به گزارش آسوشیتدپرس، پاچینو پس از حضور در فیلم «تاجر ونیزی» محصول ۲۰۰۴ به کارگردانی مایکل ردفورد، این دومین بار است که در نقش شایلاک، پهودی نزولخواه به صحنه می‌رود. آخرین اجرای وی روی صحنه تئاتر سال ۲۰۰۳ براساس نمایشنامه‌ای از اسکار وایلد به نام «خواندن» اتفاق افتاد.
تهران : اذان ظهر۱۲:۰۶اذان مغرب ۲۰:۰۰اذان صبح فردا ۵:۰۳ طلوع آفتاب ۶:۳۱

سیدعلی میرفتاح mirfattah@yahoo.com
حمایت همه‌جانبه از خانواده سیدعلی میرفتاح میرفتاح، یکی آدم توی مردامه‌ها باران بیند، ناسر بد ذوق بیاید و حالی به حال شو؟ امیرشاهی: یکی می‌مرد زردر بی‌نویایی، یکی می‌گفت عزیز، زردک می‌خواهی؟ روشن‌ضمیر: بدش هم، حالی به حالی داریم تا حالی به حالی. جلوت را نگرفته بودیم که از دست رفته بودی. کیورچالی: واقعاً کده بعضی‌ها طبع لطیفی دارند و ما خبر نداشتیم. موییدی: با این طبع شاعرانه چرا نمی‌روی نماینده‌ای، مشاوری، رئیسی، وزیر، وکیل، چیزی بشوی. توی این روزنامه استعدادت هز می‌رودها. میرفتاح: شما را که خدا آفریده که بزبند توی پرم و دوقم را کور کنبد. حالا راجع به باران نویسم، راجع به چه ب‌نویسم؟ روشن‌ضمیر: ما می‌گوییم که عین کبک سرت را توی بشارن و رنگین‌کمان و آواز بلبلان نکن. این همه اتفاق و خبر دور و برست دارد اتفاق می‌افتد که نمی‌توانی بی‌اعتنا باشی. میرفتاح: مثلاً؟ روشن‌ضمیر: مثلاً همین که ما آدمیم به رحمت خدا، همه می‌خواهند از خانواده حمایت کنند. امیرشاهی: این چه جور حمایتی است که همه خانم‌ها دور افتاده‌ند که نگذارند لایحه تصویب شود؟ موییدی: ما که بی‌خبریم و دستمان از دنیا کوتاه، اما شنیده‌ام منبع مردهایی که شلوارشان دوتا شد، می‌توانند تجدید فراش کنند... امیرشاهی: این تجدید و تجدد را از روی شلوار محاسبه می‌کنند؟ یعنی اگر یکی صدا شلوار داشت چه؟ موییدی: تجاهل‌العارف می‌فرماید. معلوم است که از روی شلوار نیست و حد و حدودی دارد. ضمن اینکه ما که توی همان یکی‌اش هم مانده بودیم، این کارها احتیاج به توانایی‌های خاص دارد. عده و غده می‌خواهد. آدم باید واجد یک قدرت‌های استثنایی باشد که از پس این نوع حمایت‌های خانواده بربیاید. ما زنده هم که بودیم به درد در حمایت خانواده نمی‌خوردیم. کیورچالی: همه از قیاس بر می‌آیند. الان خبر دارم که یکسری توی صف منتظرند که این قانون تصویب شود و کارهایی کنند کارستان. همین الان هم قانون جلوی دست و پال‌شان را گرفته وگرنه ماشاءالله، حق ابریزی و توانی دارند که در آن واحد می‌توانند از چهار خانواده حمایت مستمر و آشکار دارند. میرفتاح: کاش یکی پیدا می‌شد ما را حمایت می‌کرد؛ حمایت مادی، معنوی و... کیورچالی: تقصیر از بنده است، شما بغرما همان آب و هوا را بنویس، این طوری سنگین‌تری. سکانس آخر بولاد کیمیایی «معکوس» را می‌سازد بولاد کیمیایی فیلم «معکوس» را حادشته‌اند در زائر حادثه‌ای، بر اساس فیلمنامه‌ای از خودش ساخته شده است. کیمیای در مورد اینکه آیا از مشاوره «مسعود کیمیایی» هم در این فیلم استفاده خواهد کرد و اینکه آیا خودش هم در این فیلم بازی می‌کند، گفت: حتماً از مشاوره پدرم استفاده خواهم کرد، چون «معکوس» کار سنگینی است اما در مورد بازیگری باید بگویم تصمیمی در این زمینه ندارم و در این فیلم فقط کارگردانی خواهم کرد.



یادداشت‌آخر

اسلام، دینی که با زنان

مهربان است

فاطمه مرتبسی

قرآن پر از آیه‌هایی است که از زنان حمایت کرده است. امیدوارم فکر تکنید فخرفروشی می‌کنم. با اینکه در ادیان ابراهیمی قوانین مشترکی وجود دارد، اما زنان براساس آنچه در قرآن آمده از حقوق بیشتری نسبت به مسیحیت و یهودیت برخوردارند. برای نمونه در قرآن به صراحت آمده که زن حق طلاق دارد و این همان چیزی است که در یهودیت و مسیحیت نادیده گرفته شده است و از این لحاظ اسلام قابلیت این را دارد که نسبت به رعایت حقوق زنان پیشروتر باشد. در واقع فمینیست‌های اسلامی سعی می‌کنند با استناد به قرآن آنچه را که اکنون در کشورهای عربی اعمال می‌کنند، نقض کنند که طبیعتاً در این مسیر با دشواری‌هایی هم روبه‌رو خواهند شد. فمینیست‌های مسلمان بارها و بارها از بسیاری از بنیادگرایان به اصول دینی وفادارتر هستند. اما این طیف سعی می‌کنند همه چیز را به نفع خود مصادره کنند. کافی است نگاهی به سطح رفاه بنیادگرایان بیندازید. اغلب آنها از طبقه مرفه هستند و معتقدم رمز موفقیت آنها در بعد اقتصادی به خاطر همین تنفر و ترس‌شان از حضور زنان در جامعه است.

اما کمی به عقب بازگردیم. خدیجه همراه پیامبر بود. عایشه زنی بود که با مردان مناظره می‌کرد و پیامبر زیبایی او را می‌ستود. پیامبر بزرگوار اسلام در بیابان‌های مکه برای مردان بدوی و بیابانگرد چنان قوانینی وضع کرد که آنها دیگر زنان خود را زنده‌به‌گور نمی‌کردند و حرف من این است که چطور می‌توان گفت اسلام‌مذهب‌ضدزنی است.

او این قوانین را به مردانی می‌موخت که از شدت بدوی بودن به هر زنی که سر راهشان بود، تعرضی‌نمی‌کردند.

او اجازه داد یک زن برای اولین بار همراه او به درگاه خدا ایمان بیاورد. زنان اجازه یافتند اگر همسرشان آنها را آزار می‌دهد از او جدا شوند و فرزندان را ببینند و از همه مهم‌تر گفت غلامان و سیاهان با دیگران برابرند و چطور حالا در کشورهایی مانند عربستان و کویت به نام اسلام، زنان حتی اجازه رندگی‌نندزند

مطمئن باشید اگر چنین وسیله‌ای آن موقع وجود داشت، پیامبر حتی قکرش را هم نمی‌کرد که زنان نباید از آن به تنهایی استفاده کنند. حضرت محمد(ص) تغییرات بنیادی را به نفع زنان ایجاد کرد. اینکه او به زنان حق طلاق اعطا کرد، آنها را از ارث والدین و همسر به‌رمند کرد و طرد نشدن پس از طلاق و دیدار با کودکان پس از طلاق از موهبت‌هایی است که در دنیای اعراب هرگز وجود نداشت. چطور ممکن است زنان از نگاه اسلام و محمد(ص) جنس دوم باشند، وقتی آنها می‌توانند در مکان مقدسی همچون مکه و مسجد پابه‌پای مردان نماز بخوانند. پس از مرگ پیامبر نقل قول‌های بسیاری را به او نسبت دادند. در زمان حیات پیامبر هم این تندرخوا سعی داشتند پیامبر را در هم ب‌کوبند. حتی اسناد تاریخی ثابت می‌کند که پیامبر به خاطر این اعمال فشا‌رها از مکه به مدینه رفت.

بنیادگرایان اسلامی و برخی از مفتی‌های متحجر مدام می‌گویند «بیشتر زنان اهل جهنم هستند» یا اینکه «آنهايي که امورشان را به دست زنان بسپارند، هرگز سعادتمند نمی‌شوند»... و اینها حدیث‌های مشکوکی هستند و باید دلیل استناد مدام قانونگذاران بنیادگرا را در کشورهای عربی جست‌وجو کرد.

فمینیسم اسلامی هم خواسته‌هایش را در مجرای اسلام حقیقی و آنچه در قرآن آمده جست‌وجو می‌کند. از سوی دیگر معتقد چیزی که بنیادگرایان این روزها زنان را به واسطه آن محدود می‌کنند، اسلام سیاسی است، اما مشکل اصلی اینجااست که اکنون قانونگذاران در بیشتر کشورهای عربی و شمال آفریقا از این دسته هستند و برای همین هر تریبون‌ها را در اختیار دارند و آن اسلامی که خدیجه(ص) قرن‌ها پیش از سقف مدیریت شیشه‌ای آن عبور کرده بود و موفق شده بود در کنار مردان عرب به تجارت بپردازد، دیده نمی‌شود. فمینیست‌های اروپایی از مجرای قانون به پیگیری حقوق زنان می‌پردازند و حالا بیشتر بحث‌های جامعه‌شناختی را پیگیری می‌کنند. اما برای من و زمانم سرزبین من ماجرا کمی متفاوت است، ما باید جدای از حقوقی که قانون از ما دریغ می‌کند، ابتدا در مجرای دین این مسائل را حل کنیم. در واقع مبارزه در فمینیسم اسلامی به مراتب دشوار تر و پیچیده‌تر است، زیرا ابتدا باید مساعدت علمای دینی در کار باشد و بعد به سراغ قانونگذار برویم.

فمینیست‌های اسلامی هر چند مابیتا درست مانند شاه‌های دیگر فمینیسم‌خواستار آزادی و برابری زنان است و سعی می‌کند برتری مرد نسبت به زن را در حقوق اجتماعی نفی کند، اما با این حال به چارچوب‌هایی هم پایبند است؛ چارچوب‌هایی که البته محدودیت به همراه نمی‌آورند بلکه به دلیل پایبندی‌های دینی زنان از سوی خود آنها در نظر گرفته می‌شود. البته حالا در کشورهای اسلامی جنبش‌های فمینیستی سکولار هم فعال هستند که آنها هم خاستگاه خودشان را دارند، اما به نظر زنان مسلمان به دلیل بومی بودن و درخواست آزادی‌ها در چارچوب‌های اسلامی از فمینیست‌های مسلمان حمایت بیشتری می‌کنند.